



فیروز جمالی^۱
کریم حسین زاده^۲
ایرج حاتمی علمداری^۳

بررسی میزان تأثیرپذیری رویکرد برنامه‌ریزی فضایی شهری و منطقه‌ای کلان شهرهای ایران بر اساس تغییرات ساختارهای اقتصادی عصر جدید (مطالعه‌ی موردی: کلان شهر تبریز)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۷/۰۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۱/۲۹

چکیده

هدف این مقاله بررسی میزان تأثیرپذیری رویکرد سازماندهی فضایی شهری و منطقه‌ای کلان شهرهای ایران بر اساس تغییرات ساختارهای اقتصادی عصر جدید با تأکید بر کلان شهر تبریز است. زیرا به نظر می‌رسد در شرایط عدم تطابق ساختار فضایی کلان‌شهرها، که عامل رشد اقتصادهای ملی و ارتقاءدهنده جایگاه بین‌المللی و جهانی کشورها هستند، با نقش و عملکرد متناسب با تغییرات ساختارهای روز اقتصادی جهان، با مشکل تناقض‌های کالبدی نسبت به

۱- استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز.

۲- استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز.

۳- دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز.

نقش بایسته‌شان مواجه شده و راه جهانی‌شدن کشور از طریق شهرهای بزرگ برای آنها مسدود خواهد شد.

در این مقاله، اصول پایه‌ای برای برنامه ریزی فضایی شهری و منطقه‌ای و ضرورت توجه به نقش و جایگاه کلان شهرها با استفاده از آرا و نظریه پردازی های صاحب نظران این حوزه از جمله دانیل بل، فریتزماکلوپ، آلوین تافلر، فرانک وبستر، یونجی ماسودا، سیمون نورا، آلن منک، مارک اوری پورات و مانوئل کاستلز که دارای دیدگاه‌های مرتبط با جامعه اطلاعاتی هستند، بررسی شده و مبانی نظری طرح‌های توسعه و عمران کلان شهر تبریز مورد مقایسه تطبیقی قرار گرفته است. از نظر روش شناسی گردآوری و تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی و تحلیل ثانویه بوده است، که در زیر شاخه‌های پیمایشی و بررسی موردی کار پژوهش را پیش برده است. همچنین در تجزیه و تحلیل این مقاله از روش تحلیل محتوایی، تطبیقی و آزمون t استفاده شده است. عمده‌ترین یافته‌های مقاله عبارتند از: ویژگی‌های سازمان فضایی کلان شهرها بر اساس الزامات جامعه اطلاعاتی و میزان استفاده از پارادایم اطلاعات در تدوین انگاره‌ها و اسناد طرح‌های توسعه و عمران شهری و منطقه‌ای کلان‌شهر تبریز که از سال ۱۳۶۸ به امروز تهیه شده‌اند.

کلید واژه‌ها: کلان‌شهرها، سازماندهی فضایی، برنامه‌ریزی فضایی، جامعه اطلاعاتی، جهانی‌شدن.

مقدمه

کلان‌شهرهای امروزی کانون ثروت، قدرت، تولید انبوه، نوآوری‌های فرهنگی، انواع ایدئولوژی‌ها و سرانجام کانون مصرف انبوه محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر کلان شهرهای هر کشوری، ثروت اجتماعی و اقتصادی آن به شمار می‌آیند (شکویی، ۱۳۸۵: ۲۰۸). ساخت فیزیکی و اکولوژیک کلان شهرها به شدت تحت تأثیر اقتصاد شهری قرار می‌گیرد و نیروهای اقتصادی به طور مستقیم و غیر مستقیم در الگوهای زندگی مردم تأثیر می‌گذارند. در گذشته،

کلان شهرها مرکز اصلی تولیدات کارخانه‌ای به شمار می‌آمدند، اما امروز با تغییرات ایجادشده در ساختارهای اقتصادی این نقش آنها به حومه‌های صنعتی منتقل شده و نقش جدیدی متناسب با وضعیت جدید آنها تعریف گردیده است. در نتیجه ساختارهای فضایی دچار دگرگونی شده‌اند. امروزه جهان در حال تجربه موج سوم از تحولات اقتصادی مرتبط با ماهیت تکنولوژی تولید (فرا صنعت^۴) می‌باشد (تافلر، ۱۹۸۰: ۲۱). روشن است که قطعات سازندهی اقتصاد در قلمروی جهانی آن، نه کشورها، استان‌ها بلکه مناطق کلان شهری هستند. بنابراین به دلایل اهمیتی که ذکر آن رفت، کلان شهرها می‌بایست همه ساختارهای خود را در هماهنگی سازی با تحولات مذکور سازمان‌دهی نمایند.

مقاله حاضر قصد دارد بر اساس متون موجود تحولات ساختارهای اقتصادی را بررسی و تغییرات ایجادشده در اصول پایه‌ای سازمان دهی فضایی کلان شهرها را تبیین نماید و با استفاده از یک مطالعه تطبیقی میزان استفاده از پارادایم عصر جدید (جامعه اطلاعاتی) در تدوین انگاره‌ها و اسناد طرح‌های توسعه و عمران کلان شهر تبریز را ارائه نماید.

۲- بیان مساله

ترکیب پراکندگی مکانی و یکپارچگی جهانی، نقش استراتژیک جدیدی برای مادر شهرها ایجاد می‌کند. این شهرها علاوه بر نقش تاریخی‌ای که به عنوان مراکز تجارت و بانکداری بین‌المللی دارند، چهار کارکرد جدید نیز پیدا می‌کنند؛ نخست، به عنوان مراکز فرماندهی بسیار متمرکز در سازمان اقتصاد جهانی؛ دوم، به عنوان نقاط کلیدی برای شرکت‌های مالی و خدمات تخصصی...؛ سوم، به عنوان پایگاه‌های تولید، از جمله تولید نوآوری در صنایع پیشتاز؛ چهارم به عنوان بازارهایی برای محصولات و نوآوری‌ها (کاستلز، ۱۹۹۹: ۴۴۶).

جهانی شدن در شهرها، بویژه در مادر شهرهای بزرگ حادث می‌شود. ظهور نظام جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات، ارتباطات راه دور، فرهنگ و سیاست‌ها، از نظر فضایی و درون شبکه‌ای جهانی از شهرها به وقوع می‌پیوندد (آلگر، ۱۹۹۰؛ فرید من و والف، ۱۹۸۲؛ نایت و

گیلبرت، ۱۹۸۹؛ ناکس و تیلر، ۱۹۹۵؛ ساسن ۱۹۹۶). تغییرات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در مقیاس جهانی اثرات بنیادین در تجدید سازمان و باز ساخت شهرهای جهان بر جای می‌گذارد. به موازات رقابت تنگاتنگ بین شهرها، در مقیاس جهانی، تجدید ساخت فضایی، پیامد شهری دیگری برای جهانی شدن اقتصادی به همراه دارد (بیوریگارد، ۱۹۹۱، ۱۹۹۴، گراهام واسپنی ۱۹۹۷؛ ماشیمورا ۱۹۹۲؛ پرایک، ۱۹۹۱، زوکلین، ۱۹۹۲، شورت و کیم، ۱۹۹۹: ۱۴ تا ۳۸).

بنابراین در عرصه جهانی شدن و اطلاعات، نظام شهری به عنوان یک نظام باز به سرعت خارق‌العاده با تغییرات کمی و کیفی بیرونی هماهنگ خواهد شد (زیاری، ۱۳۸۸: ۱۸۸). از آن بین، بازشناسی تجدید سازمان اقتصادی و تکنولوژیکی و به تبع آن اجتماعی، به عنوان عوامل کلیدی، تغییرات امروزی را رقم زده است (وبستر، ۱۹۹۵: ۴۱۰). پویایی اقتصادی و اجتماعی جهانی در تعاقب خود اقتصاد ملی کشورها را تحت تأثیر قرار داده و به جابجائی نقش‌ها در مهم‌ترین کانون تحولات یعنی کلان شهرها منجر شده است. مجموعه عوامل فوق دو چالش اساسی در پیش روی شهرها خصوصاً کلان شهرها نهاده‌اند که عبارتند از:

۱. تغییر نقش برای همگامی در فرایند جهانی شدن،
 ۲. سازمان‌یابی فضایی برای همگامی با نقش جدید پذیرفته شده.
- تمامی تلاش‌ها در این حوزه به برنامه‌ریزی و مدیریت شهری^۷ بر می‌گردد. چرا که فرآیندهای یکپارچه‌شدن اقتصاد جهانی در رشد شتابان شهری، برنامه‌ریزی سنتی و راهبردهای سیاسی در این مناطق را با مشکل مواجه ساخته است. آنچه اکنون مورد نیاز است راه‌های جدید اندیشیدن درباره چنین فرآیندهایی و راه‌های نوین عملیاتی برای مهار منافع و کنترل تأثیرها منفی آنها است. در تمامی کشورهای توسعه‌یافته، کلان‌شهرها به جای از بین رفتن توسط فرآیندهای جهانی‌شدن، به مراکز زندگی مدرن تبدیل شده‌اند. علت این امر آن است که جهانی‌شدن، اهمیت آنها را به عنوان پایه‌های هر گونه فعالیت تولیدی، چه در تولیدات صنعتی یا خدماتی و

چه در بخش‌های برخوردار از فناوری پیشرفته یا ابتدایی، دوباره یادآور شده و به کار گرفته است.

حال که اغلب کلان شهرها به میزان کم یا زیاد دگرگون شده‌اند. در اینجا سوال این است که آیا تغییر ساختارهای اقتصادی عصر جدید در تدوین انگاره‌ها و اسناد برنامه ریزی فضایی شهری و منطقه‌ای کلان شهر تأثیر داشته است؟ این تأثیرها به چه میزانی بوده است؟

۳- تعاریف و مفاهیم

- جامعه اطلاعاتی: جامعه اطلاعاتی مجموعه یا شالوده‌ای از روابط اجتماعی مبتنی بر اقتصاد اطلاعاتی است. اقتصاد اطلاعاتی هم به نوبه خود، در هر جا که بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی از بخش وسیع اطلاعات تأمین می‌شود، تحقق پیدا می‌کند (دانشگاه مونترال، ۱۹۷۹).

- مادر شهر: شهری است که از نظر مرکزیت دولتی و فعالیت اقتصادی یا فرهنگی بر دیگر سکونتگاه‌ها برتری دارد. این شهر ممکن است شهر اصلی یک ناحیه، یک استان یا یک کشور و گاهی پایتخت آن باشد. در نظریه مکان مرکزی، مادر شهر به شهری گفته می‌شود که حداقل دارای یک میلیون نفر جمعیت باشد.

- جهانی شدن: عبارت است از افزایش روابط افراد، گروه‌های اجتماعی، نهادها، دولت‌های ملی و... در جهان به اندازه‌ای که میان آنها وابستگی متقابل ایجاد کند و تراکم این روابط به حدی باشد که امکان تفکیک اجزا از یکدیگر وجود نداشته باشد و در نتیجه نوعی یکپارچگی ایجاد شود.

- برنامه ریزی فضایی: عبارت است از نحوه توزیع و سازمان یابی انسان و فعالیت در پهنه سرزمین (شهر، منطقه و کشور). برنامه ریزی فضایی روندی است برای بهره‌ور سازی آرایش منطقی، حفظ تعادل و هماهنگی بین جمعیت، و تأسیسات اجتماعی و اقتصادی ایجاد شده در فضای ملی و منطقه‌ای.

۴- مبانی نظری

امروزه تحولات اقتصادی ناشی از تغییرات در ماهیت و تکنولوژی تولید، ارتباطات الکترونیکی و تحولات آگاهی بخش به حقوق فردی و اجتماعی و شکل گیری ساخت سازمان بندی اجتماعی در جهان مدرن و فرامدرن آینده را موجب گردیده است. سازمان فضایی جامعه، جای خود را به سازمان اجتماعی فضا که در آن عوامل اقتصادی و سیاسی و فرهنگی اهمیتی بیشتر از عوامل گذشته نظریه نظام فضایی همچون «هندسه و فضا»، «هندسه و فاصله» دارند، می‌دهد. در واقع شبکه اجتماعی جدید و فضای جریان‌ها، سهم مهمی در شکل دهی به نظام‌های شهری، جهانی، ملی و منطقه‌ای در دنیای امروز خواهند داشت. دهه جاری شاهد ایجاد رابطه پرمعنا و بی سابقه‌ای بین فرآیندهای نوآوری تکنولوژی و سازماندهی اقتصادی و اجتماعی است. نوآوری‌های بی شماری با هم آمیخته‌اند تا در ساماندهی فعالیت‌ها و روابط داخلی جامعه، دگرگونی‌های عظیم پدید آورند (معمد نژاد، ۱۳۸۴: ۱۲). وضعیت پیش آمده یک فرصت استثنایی برای جبران عقب‌ماندگی‌های عصر صنعت برای کشورهای در حال توسعه به صورت تحقق یک جهش اساسی در ورود به دوران فراصنعتی می‌باشد (محمدیاری، ۱۳۸۵: ۱۲۶).

۴-۱- تحولات ساختارهای اقتصادی

تافلر (۱۹۸۰) تحولات حیات اجتماعی و اقتصادی بشری را از ابتدا تا به امروز به سه عصر تقسیم می‌کند، و هر عصر را به لحاظ حاکمیت شیوه تولید، شیوه زندگی و روابط اجتماعی به عنوان یک موج تبیین می‌نماید. بدین ترتیب موج اول تمدن بشری با انقلاب در شیوه تولید کشاورزی شروع می‌گردد. این موج از ده‌ها هزار سال پیش شروع شده (هشت هزار سال قبل از میلاد) و هزاران سال ادامه یافت. موج اول تحول، تا پایان قرن ۱۷ (۱۶۵۰) هنوز فرو نشسته بود که انقلاب صنعتی همه جا را فرا گرفت. با انقلاب صنعتی در سال ۱۷۵۰ موج دوم شروع شد و حدود ۲۰۰ سال به طول انجامید. عصر دوم از مجموعه شش اصل وابسته به یکدیگر تشکیل یافته بود که رفتار میلیون‌ها انسان را برنامه ریزی می‌کرد. این اصول که به طور طبیعی از تفکیک تولید و مصرف منتج می‌شد و بر همه جنبه‌های زندگی از روابط اجتماعی اثر

می‌گذاشت، عبارت بودند از؛ استاندارد کردن (همسان سازی)، تخصصی کردن، همزمان سازی، تراکم، بیشینه سازی و تمرکز. اندیشه یک جامعه اطلاعاتی در توصیف جامعه معاصر از اوایل سال‌های ۱۹۶۰ ظاهر شد. اما مفهوم جامعه اطلاعاتی در طول سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مورد اشاره قرار گرفت، بویژه از نیمه دوم ۱۹۹۰ به بعد به کرات مورد استفاده واقع گردید. سال ۱۹۸۹ به دلیل ابداع شبکه جهانی و همراه شدن شیوه اطلاعاتی اندیشه، شیوه تولید و قاعده‌های همکاری با یکدیگر، تاریخ مهم برای جامعه اطلاعاتی به شمار می‌رود (محمدیاری: ۱۳۸۵ و معتمدنژاد: ۱۳۸۴). مهم‌ترین تحول اقتصادی عصر سوم در ساختار اشتغال بخش‌های اقتصادی ظاهر شد. در این عصر تعداد کارمندان و متخصصان بر کارگران فزونی گرفت. به نظر «تافلر» تغییر از اقتصاد مبتنی بر صنعت به فرا صنعت به خاطر بلوغ عصر صنعت نبوده بلکه به لحاظ تغییر در بنیاد انرژی ایجاد کننده صنعت بوده است. آنچه در موج سوم اتفاق می‌افتد انبوه زدایی زمان است که به طور دقیق به موازات انبوه زدایی دیگر وجوه زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد. دانیل بل سیر تحول از جامعه سنتی به جامعه اطلاعاتی ویژگی‌های جوامع را به اختصار به شرح جدول شماره یک بیان می‌کند.

جدول شماره یک سیر تحول از جامعه سنتی به جامعه اطلاعاتی ویژگی‌های هر یک از آنها

شکل تولید	جامعه سنتی	جامعه صنعتی	جامعه اطلاعاتی
منابع دگرگون ساز	نیروی طبیعی: باد، آب، حیوانات نیروی انسانی	نیروی مصنوعی: برق، نفت، گاز، زغال سنگ، نیروی هسته‌ای	اطلاعات: رسانه‌های ارتباطی و رایانه
منابع استراتژیک	مواد خام	سرمایه مالی	دانش

مأخذ: فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی - شماره ۴ (۱۳۸۴: ۱۵۰)

«ویستر» به نقل از «بل» اظهار می‌دارد؛ «بهره‌وری» روز افزون در بخش‌های اولیه و ثانویه، موتوری است که فرایند دگرگون سازی را برای رسیدن به دوره‌ای پسا-صنعتی که در آن خدمات تسلط دارد، به حرکت در می‌آورد.

به نظر جوآتالویتی (۲۰۰۳) در عصر اطلاعات معانی و مفاهیم فضا، مکان، زمان و فاصله با اهمیتی که در گذشته داشته‌اند دگرگون شده و مفاهیم جدیدی همچون جامعه اطلاعاتی، جامعه شبکه‌ای، کلبه‌های الکترونیکی، فضای مجازی، فضای جریان‌ها، فشردگی زمان و مکان و غیره مطرح گردیده‌اند. او معتقد است؛ اگر بخواهیم اثرات فن آوری اطلاعات و ارتباطات را در عرصه زندگی بشر بررسی کنیم، بدون شک شهر و ناحیه بهترین انتخاب است. زیرا این دو عرصه تبلور فضایی کارکردهای اساسی زندگی انسان همچون مسکن، اشتغال، فعالیت اقتصادی، تفریح و اوقات فراغت، حمل و نقل و ارتباطات، آموزش و ... می‌باشد.

او می‌گوید فن آوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آن، در جریان زمان، توسعه فضایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس ضروری است این مهم در امر برنامه‌ریزی فضایی مد نظر قرار گیرد. در این عصر (اطلاعات) روش‌ها و نظریه‌های قدیمی فاقد کارایی و اثر بخشی بوده و بیش از این قادر نیستند از طرح‌های توسعه ساختارهای فضایی پشتیبانی نمایند. به نظر وی در نتیجه توسعه جامعه اطلاعات و فن آوری اطلاعات و ارتباطات، معنی و مفهوم فضا مکان، فاصله و زمان، به عنوان تعیین کنندگان عوامل مکان‌گزینی، تغییر یافته‌اند. توسعه جامعه اطلاعات، توسعه فضایی و به دنبال آن، برنامه‌ریزی فضایی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در اقتصاد جدید رقابت و تولید و بهره‌وری مناطق و شهرها در نتیجه یا توسط توانایی‌شان در ترکیب ظرفیت اطلاعاتی، کیفیت زندگی، و میزان ارتباط با شبکه مراکز اصلی کلان شهری در سطح ملی و بین‌المللی معین می‌شود. از این رو، منطق جدید فضایی و ویژگی شهر اطلاعاتی، توسط اهمیت فوق‌العاده فضای جریان‌ها بر روی فضای مکان‌ها معین می‌گردد. اهمیت فضای جریان‌ها، از فضای مکان‌ها بیشتر شده و سمبل تمایز زیاد بین نیرو و تجربه، جدایی بین معنی و عملکرد (هدف) می‌گردد. دانیل بل (۱۹۷۳) ویژگی‌های جامعه پسا صنعتی را به شرح زیر بیان می‌کند:

..... جامعه پسا صنعتی بر خلاف جامعه صنعتی، که بر اساس «تکنولوژی ماشینی» پایه گذاری شده، بر مبنای تکنولوژی فکری شکل‌دهی گردیده است. همچنین در حالی که سرمایه و کار، عناصر ساختاری عمده جامعه صنعتی را تشکیل می‌دهند، اطلاعات و معرفت، دو عنصر

ساختاری اساسی جامعه اطلاعاتی به شمار می‌آیند. دانیل بل در سال ۱۹۷۹ برای نخستین بار در آثار خود به جای اصطلاح «جامعه پسا-صنعتی»، اصطلاح «جامعه اطلاعاتی» را به کار برد (معتد نژاد، ۱۳۸۴: ۵۱).

مانوئل کاستلز از دیگر نظریه پردازان عصر جدید معتقد است که دگرگونی‌های اجتماعی معاصر ریشه در نتایج نوآوری تکنولوژیک دارد، که دارای ساختار سرمایه داری است و در جستجوی هویتی برای خویش است. به تعبیر او جامعه شبکه‌ای صورت تازه‌ای از سرمایه داری است و اطلاعات درون مایه و هسته مرکزی آن می‌باشد. از این رو خصلت عصر معاصر شیوه اطلاعاتی توسعه است. به اعتقاد او در جامعه شبکه‌ای کارکردها و گروه‌های مسلط در یک زمان بی زمان عمل می‌کنند و تکنولوژی‌های ارتباطی در یک شبکه مشخص به حذف عامل فضا می‌پردازند.

مدیریت انعطاف پذیر، تمرکز زدایی، شبکه‌ای شدن مراکز جمعیتی در روابط داخلی و خارجی، قدرت یافتن چشمگیر سرمایه در برابر نیروی کار، فردی شدن و تنوع روز افزون روابط کار، مشارکت گسترده زنان در بازار کار، دخالت دولت برای آزاد سازی گزینش بازارها، حذف دولت‌های رفاهی که شدت و جهت گیری آنها به ماهیت نیروها و نهادهای سیاسی هر جامعه بستگی دارد و افزایش رقابت اقتصادی جهانی در شرایط متمایز فزاینده جغرافیایی و فرهنگی که زمینه انباشت سرمایه و مدیریت است، از ویژگی‌های بارز این تجدید ساختار به شمار می‌رود (کاستلز، ۱۹۹۹: ۲۷ تا ۲۸).

گسترش انقلاب تکنولوژی اطلاعات نیازمند شکل گیری محیط نوآوری است که در آن اکتشافات و کاربردها با یکدیگر ارتباط متقابل باشند. بزرگ‌ترین مناطق کلان شهری قدیمی جهان صنعتی، مهم‌ترین مراکز نوآوری و تولید در تکنولوژی به شمار می‌روند. ویژگی کلان شهری بیشتر پایگاه‌های انقلاب تکنولوژی اطلاعات در سراسر جهان به این نکته اشاره دارد که عنصر حیاتی در توسعه این انقلاب تازگی محیط نهادی و فرهنگی نیست، بلکه توانایی آن برای ایجاد همیاری بر اساس دانش و اطلاعات است که مستقیماً بر تولید صنعتی و کاربردهای تجاری مربوط می‌شود. استحکام فرهنگی و تجاری کلان‌شهرها آن را محیط متمایز این انقلاب

جدید تکنولوژیک می‌کند، به این ترتیب عملاً از مفهوم بی مکانی نوآوری در عصر اطلاعات ابهام زدایی می‌کند (کاستلز، ۱۹۹۹: ۸۹).

به نظر کوریات^۷ نخستین روند تکامل سازمانی در انتقال از صنعت گرایی به اطلاعات گرایی که گسترده‌تر از دیگر روندهاست و بویژه در اثر پیشتاز پایور^۸ و سی بل^۹ مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، گذار از تولید انبوه به تولید انعطاف پذیر یا از فوردیسم به پست فوردیسم است. مدل تولید انبوه بر اساس افزایش بهره‌وری استوار بود که از طریق صرفه‌جویی در هزینه‌ها توسط یک شکل سازمانی خاص به دست می‌آمد. این شکل سازمانی خاص عبارت از سازمان بزرگی است که بر پایه ساختار عمودی و تقسیم کار نهادینه اجتماعی و فنی سازماندهی شده است. ویژگی ساختارهای عمودی این است که خدمات برتر در بالای نظام و خدمات میانی و پایینی در سطوح پایین‌تر قرار می‌گیرند. اما در ساختار افقی که از ویژگی‌های عصر جدید است، آرایشی از مزیت‌های مکانی و انسانی برای عرضه کالا و خدمات قابل رقابت در عرصه ملی و جهانی صورت می‌گیرد.

۴-۲- فن‌آوری‌های ارتباطی و شکل فضایی شهر

فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی امکانات همزیستی نیرومندی برای تسهیل تمرکز زدایی دارند. لیکن این تمرکز زدایی به طور عمده در متن منطقه‌ها بسط یافته مادر شهری اتفاق می‌افتد. منطقه بزرگ مادر شهری وسیع‌تر می‌شود و حریم باز وسیع‌تری را تحت حوزه ارتباطی خود قرار می‌دهد و شمار سفرهایی که به قصد کار صورت می‌گیرد کمتر می‌شود. با افزایش کاربردهای فن‌آوری ارتباطات در روند «پراکندگی درونی» کلان شهرها که بعضی از مفسران آنرا مشخصه شهر فرا فورد گرایانه یا فرامدرن دانسته‌اند، شتاب ایجاد می‌گردد.

به عقیده شارپ و دالاک شهر «کج و بی مرکز» می‌شود. به همین نحو ویریلیو (۱۹۸۷) شهر را در حال «پیش برهنگی» می‌بیند و می‌گوید که بر اثر رخنه فن‌آوری‌های الکترونیکی در تار و

7. koryat

8. Piore

9. Sebel

پود بافت آن، شهر هر چه سازمان زودتر می‌شود. انبساط فضایی یا مکانی فعالیت‌ها جایگزین انقباض فضایی یا مکانی آنها می‌گردد. پراکندگی در تمرکزها سبب می‌شود تا شهرها از حدود و مرزهای خود خارج شوند (بورزل، ۱۹۹۵: ۸۹). مادر شهرها از لحاظ تنوع و تعداد نیروهای مغزی برای استقرار فعالیت‌های دانش بنیاد مهمند و می‌توانند مراکز انباشت سرمایه به شمار رفته و در سازماندهی فضایی ملی برای تعامل با اقتصاد جهانی نقش فرماندهی، پشتیبانی تکنولوژی، ایجاد مراکز نوآوری و راهبری سایر مناطق سکونتی ایفای نقش نمایند. آرمسترانگ و مک گی (۱۹۸۵) یکی از چارچوب‌های نظری ابتدایی و مفید برای بررسی تحول نقش شهرها را عرصه‌های انباشت و مرکزیت انتشار می‌دانند. یعنی شهرها در گرد آوردن سرمایه‌های داخلی، خارجی، جمعیت‌های نخبه، اشتغال و خدمات مدرن نقش چشمگیری بازی می‌کنند. هر قدر سرمایه انکشاف یافته باشد می‌تواند انرژی بیشتری را به طور همزمان برای گسترش هر چه بیشتر بازار، و حذف بیشتر فضا توسط زمان به کار بندد (هاروی، ۱۹۹۸: ۷۱).

۴-۳- ویژگی‌های سازمان فضایی بر اساس الزامات عصر جدید

سازمان فضایی از برآیند عوامل تولید، روابط تولید و تسلط نظام اقتصادی تعریف می‌شود. در دوره‌های مختلف تاریخ بشر، میزان وابستگی‌های کارکردی میان شهرها و حوزه نفوذ آن با توجه به شرایط حمل و نقل و زمینه‌های ارتباطی، انواع مختلفی از سیستم‌های شهری به وجود آورده است، در هر یک از این دوره‌ها، شهرهایی با جمعیت معین، شکل فضایی معین و سطح همبستگی‌های داخلی ویژه وجود داشته است.

در دوره فرا صنعتی، به علت افزایش تصور ناپذیر سرعت و کارایی ارتباطات، این روند در پیوستگی‌های اقتصادی و اجتماعی میان شهرها به سرعت موانع فاصله را از میان برمی‌دارد^۱. در نتیجه پراکندگی فضایی سکونتگاه‌ها و افزایش جمعیت آن، تغییراتی در سیستم‌های شهری به وجود می‌آورد. به موازات افزایش کارایی ارتباطی، جدایی کارکرد شهرهای بزرگ از شهرها و روستاها کاهش می‌یابد. حومه نشینی در سطح گسترده در اطراف شهرها، از امتیازات شهر

10. Herbert, David and Colin J. Thomast; Urban Geography; P.145.

نشینی و شهر گرایی و از مشخصات سیستم‌های شهری در دوره فراصنعتی به شمار می‌آید. تاکنون اکثر مدل‌های فضایی به فواصل دسترسی و اندازه جمعیتی تاکید می‌کردند. یعنی عوامل سازماندهی به فضا را مؤلفه‌های دسترسی جاده‌ای و آستانه جمعیتی و نقش اداری - سیاسی مراکز شهری در نظر می‌گرفته‌اند. این الگو نوع سیستم و زیر سیستم‌های آن را برای شهر یا منطقه در کل برآورد و پیش بینی می‌کرد و از نظر فضایی متراکم خوانده می‌شد (پیتز هال، ۱۹۸۹: ۳۲۴). اما امروز عوامل مورد استفاده در سازماندهی فضایی بر ارتباطات غیر جاده‌ای و مزیت‌های مکانی و ویژگی‌های کیفی جمعیت استوار است و برنامه ریزان شهری و منطقه‌ای دل مشغول رفتار فضایی اقتصاد با جامعه‌اند.

در جغرافیایی شهری جدید، سازمان سیستم شهری در تلاش است تا یکپارچگی همه نیروها یا دست کم بیشتر آنها را امکان پذیر سازد. به عبارت دیگر هر سازمان سیستم شهری یک روند مشترک میان بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهر - ناحیه را در داخل یک مجموعه برقرار می‌سازد. علاوه بر این روند مشترک، لازم است هنگام بررسی سازمان سیستم شهری، مناسبات و روابط میان شهر و سیستم‌های شهری کشور و گاهی دنیا مورد تاکید قرار گیرد. در شکل سنتی این روابط در کشورهایی که وابستگی‌های فرهنگی و تجاری بسیاری با شبکه اقتصاد جهانی داشتند، آینده سیستم‌های شهری را به این مناسبات خارجی وابسته می‌کرد، در کشورهای در حال توسعه، صادرات مواد خام و اولیه در وسعت یابی سازمان سیستم شهری از عوامل مهم به شمار می‌آید. استخراج معادن، تقاضای بازارهای خارجی برای مواد خام، عوامل تکنولوژیک، میزان سرمایه گذاری در امر صادرات و در نهایت تقسیم کار بین‌المللی به سازمان سیستم‌های شهری شکل و کارکرد تازه‌ای می‌بخشد.

تخصصی‌یابی در صنایع ویژه، در تحول و تکامل سازمان سیستم‌های شهری موثر است و این امر، بویژه در کشورهای صنعتی و در شهرهای پر جمعیت کشورهای جهان سوم صادق است. در این کشورها جریان رشد و توسعه شهرها با سیاست صنعتی شدن پیوند می‌خورد و توسعه صنایع، توسعه شهرها را سبب می‌شود. عده‌ای از محققان، هنگام تحلیل سازمان سیستم شهری، بر مدل تغییرات اجتماعی بیش از دیگر عوامل تاکید می‌کنند. این عده معتقدند با توسعه

اقتصادی، ویژگی‌های رشد اجتماعی به همراه افزایش سطح درآمد سطح تحصیلات و گسترش عدالت اجتماعی در همه نواحی یک کشور یا یک ناحیه صورت عملی به خود می‌گیرد، و نتیجه آن، جایگزینی شیوه‌های جدید زندگی به جای شیوه‌های قدیمی است. نهادهای زیر ساختی، مانند سیستم سیاسی، تدوین قوانین، سیستم تولید و توزیع خدمات، تغییرات بنیادی می‌یابند، که به همراه عوامل واسطه‌ای مثل تکنولوژی ارتباطات، حمل و نقل و روند تولید، سیستم‌های شهری را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. جریان کالا، افکار، تحرک‌های جمعیتی و عرضه خدمات، نیروی حیاتی و محرکه سیستم شهری هستند و آن را پویا می‌سازند. بدین سان هیچ شهری نمی‌تواند به صورت منفرد، مجزا و بدون روابط متقابل با یکدیگر به حیات خود ادامه دهد.

هدف سازماندهی فضایی منطقه‌ای در ادوار گذشته، آرایش دادن به شهرها در یک فضای معین و در ارتباط با هم به منظور جریان کالا، افکار، تحرک‌های جمعیتی و عرضه خدمات بود. توان‌های محیطی و آستانه‌های جمعیتی (مزیت‌های نسبی مکان‌ها) که از عوامل درونی (قوت‌ها و ضعف‌ها) مکان‌ها نشایت می‌گرفت، مؤلفه‌های اصلی تعیین کننده سازماندهی فضایی منطقه‌ای را تشکیل می‌داد. ولی امروزه به دلیل ناپدید شدن مزیت‌های نسبی مکان‌ها یا همان عوامل درونی (قوت‌ها و ضعف‌ها) از یک طرف، و پررنگ‌تر شدن عوامل بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها)، توجه به ویژگی‌های کیفی جمعیتی بجای ویژگی‌های کمی آن و موقعیت ژئواستراتژیکی مکان‌ها به لحاظ شکل‌گیری فرصت‌های توسعه در محیط بیرونی آنها، از طرف دیگر، سازماندهی فضایی منطقه‌ای شهرها بر اساس مؤلفه‌های گذشته برای رشد اقتصادهای ملی و تعامل با اقتصادهای بین‌المللی و جهانی را به شدت ناکارآمد ساخته است. در این روش (روش گذشته) سازماندهی فضایی بر مبنای رویکرد استعمار جدید شکل گرفته بود و بر اساس یک تقسیم کار بین‌المللی و جهانی قصد داشت با استفاده از مزیت نسبی کشورهای جهان سوم آنها را به تولیدکننده مواد اولیه خام طبیعی و یا کالاهای واسطه‌ای، و مصرف کننده کالاهای نهایی تولیدشده در کشورهای پیشرفته تبدیل نماید؛ بنابراین سیستم‌های شهری بیشتر کشورهای جهان سوم با اقتصاد بازار اداره شده و دارای دو جریان موثر بوده است؛ رشد سریع

جمعیت شهری و افزایش تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در بزرگ‌ترین شهرها (تارو، ۱۹۹۶: ۳۴۳).

در دوران صنایع انسان ساخته مبتنی بر نیروی مغزی ضریب‌های سرمایه / نیروی کار، متغیرهای چندان معنی داری نیستند. زیرا کل تمایز بین سرمایه و نیروی کار مفهوم خود را از دست می‌دهد.

دانش و مهارت، یعنی سرمایه انسانی، مانند سرمایه فیزیکی حاصل سرمایه گذاری است. منشاء منحصر به فرد مزیت نسبی امروز دانش و مهارت است و بس. در سال‌های پایانی سده بیستم دانش و مهارت در تعیین مکان استقرار فعالیت اقتصادی عامل اساسی به شمار می‌رفته‌اند. نظریه مزیت نسبی هنوز معتبر است، اما در اقتصاد مبتنی بر دانش باید جوامع خودشان مزیت نسبی خود را ایجاد کنند. نه مثل سابق که منابع خدادادی ایجاد می‌کردند (تارو، ۱۹۹۶: ۱۰۴). مهم‌ترین عواملی که در آینده بر پویایی و تحول سیستم‌های شهری در آینده اثر خواهند گذاشت عبارتند از؛ ویژگی‌های کیفی جمعیت، توسعه اقتصادی، تکنولوژی حاکم بر تولید، تغییرات قشربندی اجتماعی ساکنین شهرها، تخصص یابی در تولید، تغییرات سهم نیروی انسانی شاغل به کار در بخش‌های اقتصادی، مکان‌گزینی صنایع، نوسازی بخش‌های داخلی شهرهای بزرگ، نقش بین‌المللی شهر و اقتصاد انحصاری.

۴-۴- ویژگی‌های طرح‌های توسعه و عمران شهری و منطقه‌ای کلان شهر تبریز به منظور شناخت ویژگی‌های رویکردی طرح‌های توسعه عمران مادر شهر تبریز در قالب بررسی انگاره‌های حاکم بر سازماندهی فضایی و تولید اسناد شهری و منطقه‌ای شهر تبریز طرح‌های تهیه شده پس از سال ۱۳۶۹ شامل؛ طرح جامع شهر تبریز (۱۳۷۴)، طرح کالبد منطقه آذربایجان (۱۳۷۹)، طرح ناحیه‌ای تبریز (۱۳۸۳)، طرح پایه آمایش استان (۱۳۸۴)، طرح مجموعه شهری (۱۳۸۸) و طرح تفصیلی شهر تبریز (در دست تصویب) به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۴-۱- طرح کالبدی منطقه آذربایجان

مؤلفه‌های اصلی سازمان فضایی شهرهای منطقه آذربایجان در این طرح عبارتند از؛ اندازه جمعیتی، تعداد شهرهای هر یک از اندازه‌ها، حوزه نفوذ عملکردی شهرهای مرکزی، سطح بندی خدماتی هر یک از سطوح شبکه شهری، نقش غالب اقتصادی شهرها از نظر فعالیت‌های اقتصادی.

هدف سازماندهی فضایی منطقه‌ای شهرها در این طرح ایجاد تمرکز و سلسله مراتب در آنها برای رساندن فرآورده‌ها و خدمات بنگاه‌های گوناگون به شیوه کارآمد به سراسر سرزمین و نیز اعمال مدیریت آسان ادارات دولتی در سراسر آن عنوان شده است. در آینده نگرى صنایع مستقر در منطقه هیچ یک از صنایع مبتنی بر درون داد دانش یا اطلاعات دیده نمی‌شود و بر ویژگی‌های فعالیت‌های صنعتی عصر دوم تأکید شده است. در آینده نگرى شبکه شهری منطقه از نظریه مکان مرکزی، نظریه قطب رشد و محورهای توسعه، و در تعیین نظام سلسله مراتبی شهرها از مدل‌های ریاضی (رتبه- اندازه- توزیع لگاریتمی و پارتو) استفاده شده است.

۴-۴-۲- طرح پایه آمایش استان آذربایجان شرقی

مطالعات، تفکر اساسی سازماندهی فضایی استان را بر پایه اعتقاد به توزیع عادلانه امکانات اولیه در قالب سلسله مراتب سکونتگاهی قرار داده است. تا از قطبی شدن مناطق جلوگیری کرده و جلو تمرکز و تحرکات جمعیتی را بگیرد. طرح استفاده از نظریه قطب رشد و مرکز-پیرامون را مردود دانسته و آنها را تجربه شکست خورده تلقی می‌کند، و معتقد است نظریاتی که به نوعی موجب قطبی شدن برخی از مراکز شهری می‌شوند، باعث بروز مشکلات زیادی در کشورهای جهان سوم شده‌اند. طرح برای سازماندهی فضایی استان تئوری و مدل مربوط به «بسط متمرکز» را انتخاب کرده است. بدین مفهوم که با تمرکز زدایی از مرکز استان و توسعه شهرهای میانی با توزیع متناسب فعالیت‌ها و خدمات برتر در این شهرها تعادل فضایی به نفع سطوح میانی تقویت شده و باعث شکل‌گیری حوزه‌ها و کانون‌های جدید توسعه خواهد گردید. هرچند در این مطالعات پیشنهادات مربوط به استقرار صنایع جدید در استان نسبت به

طرح کالبدی از وضعیت بهتری برخوردار است. اما علی‌رغم حاکمیت پارادایم عصر سوم در تدوین انگاره طرح‌ریزی، در ارائه راهبردهای طرح و توزیع مراکز عمده صنعتی سهم تبریز در صنایع عصر دوم زیاد دیده شده است.

۴-۴-۳- طرح ناحیه‌ای تبریز

در ساماندهی فضایی ناحیه از تئوری‌های تمرکزگرا از جمله مکان مرکزی استفاده شده است. نقش و فعالیت‌های در نظر گرفته شده برای شهر تبریز بر اساس الزامات عصر دوم (صنعت) صورت گرفته است.

۴-۴-۴- طرح مجموعه شهری

پارادایم حاکم بر تدوین انگاره طرح‌ریزی و ارائه عناصر راهبردی این طرح پارادایم اطلاعات است. اما در اسناد کالبدی طرح پارادایم مذکور کم‌رنگ دیده شده است.

۴-۴-۵- طرح جامع شهر تبریز

اهم پایه‌های نظری طرح جامع برای توسعه و عمران شهر:

جمعیت: جلوگیری از افزایش جمعیت شهر و هدایت سرریز جمعیت روستایی به سایر کانون‌های شهری منطقه، حفاظت نیروی متخصص و ماهر شهر.

اقتصاد: حفظ نقش صنعتی (سطح یک) شهر و الویت در استقرار صنایع با سطح تکنولوژی بالا در توسعه صنایع جدید.

خدمات: در خدمات تجاری و مبادلاتی در سطح ملی و فراملی، در خدمات آموزشی در سطح ملی و در خدمات بهداشتی و درمانی در سطح استان و نقش مدیریت شهر در سطح استان و منطقه شهری متبلور خواهد یافت. ارائه خدمات حمل و نقل و انبارداری در سطح ملی و فراملی، توسعه آموزش عالی به خصوص توسعه دانشکده‌های فنی و مهندسی، پزشکی و پیراپزشکی مورد انتظار است.

نیروی انسانی و اشتغال: هدایت سرریز جمعیت روستایی به سایر کانون‌های شهری منطقه و تأمین فرصت‌های شغلی مناسب در اینگونه نقاط و تأمین متناسب فرصت‌های شغلی در شهر به میزان نیروی کار پیش‌بینی جمعیت افق طرح در شهر تبریز استوار است.

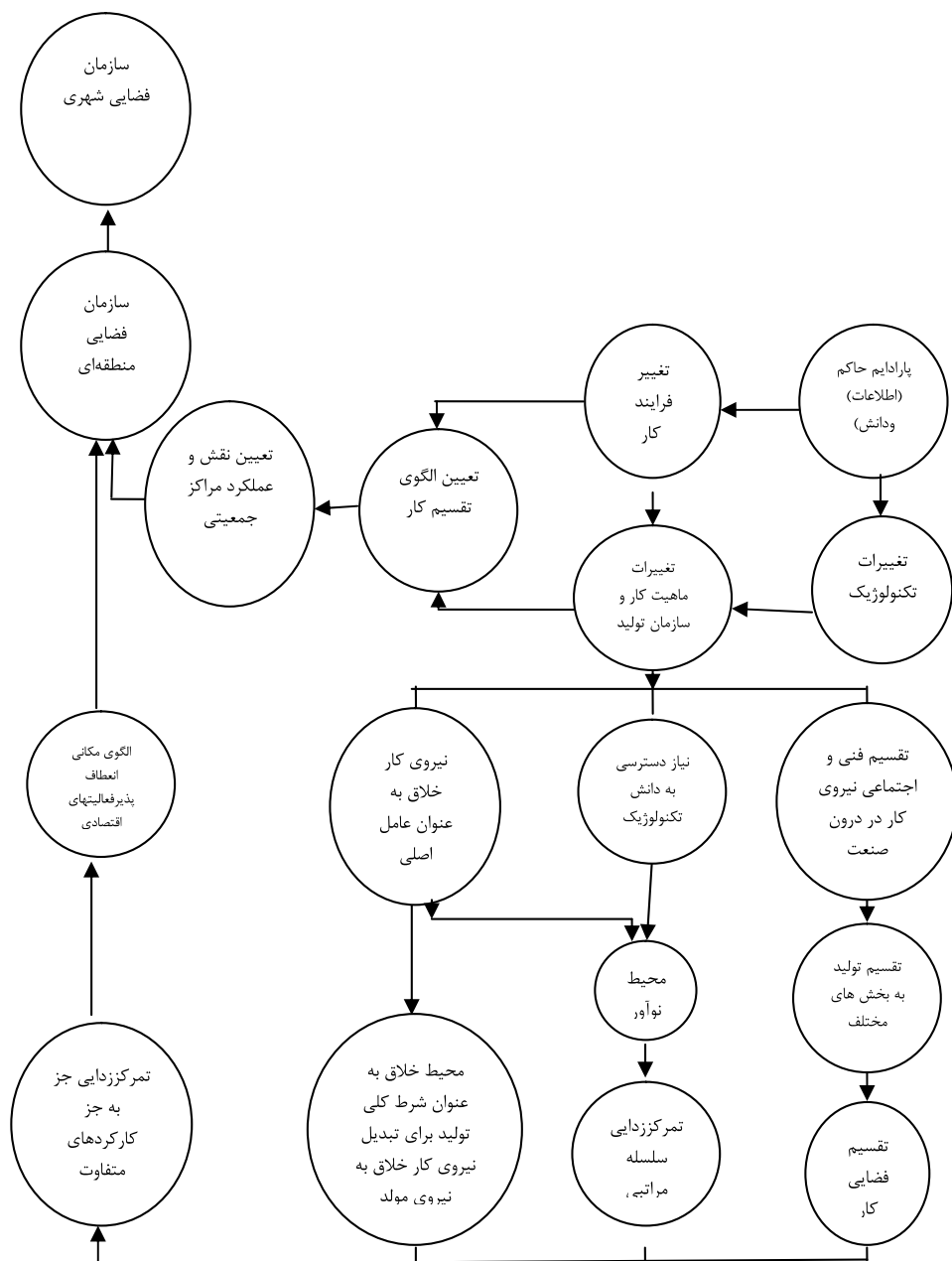
کالبد شهر: کاهش تراکم در محلات بسیار فشرده شهر، ایجاد نشانه‌های شهری، احیاء بافت تاریخی، تأمین فضاهای خدماتی مورد نیاز و به خصوص فضاهای سبز بزرگ و تجهیز شده، تکمیل شبکه ارتباطی، تغییر در مدیریت شهر و بالاخره احداث شبکه‌های زیربنایی گسترده.

۴-۴-۶- طرح تفصیلی

نظر به اینکه طرح تفصیلی تدقیق‌کننده برنامه‌های طرح جامع است از نظر ویژگی‌ها عین طرح جامع می‌باشد.

۵- مدل تحلیلی

با توجه هدف اصلی این مقاله که سازماندهی سازمان فضایی درونی و بیرونی (منطقه‌ای) کلان‌شهرهای ایران بر اساس الزامات و پیامدهای جامعه اطلاعاتی می‌باشد، با استناد به مبانی نظری مطروحه مدل تحلیلی رسیدن به هدف مذکور به شرح زیر ارائه می‌گردد:



منبع: ترسیم توسط نگارندگان

۶- یافته‌ها

با استناد به مبانی ارائه شده و بررسی‌های به عمل آمده در خصوص مبانی بکاررفته در تدوین انگاره و برنامه‌های طرح‌های توسعه و عمران کلان شهر تبریز و با استفاده از آرا و نظرات صاحب نظران برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای و با توجه به اینکه عوامل مورد مقایسه دو گروه می‌باشند برای آزمون فرضیه پژوهش از آزمون آماری t در محیط نرم افزاری SPSS استفاده و نتایج جدول شماره دو و سه حاصل شده است.

در این آزمون در خصوص میزان استفاده از پارادایم اطلاعات در تدوین انگاره‌ها و اسناد طرح‌های مذکور از داده‌های پرسشنامه‌هایی که از کارشناسان؛ وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان شرقی، استانداری استان آذربایجان شرقی، شهرداری کلان شهر تبریز و مشاورین تهیه کننده طرح‌های توسعه و عمران در استان آذربایجان شرقی تکمیل گردیده بود استفاده شده است. بر اساس اطلاعات مندرج در جدول شماره دو ملاحظه می‌شود که استفاده از پارادایم اطلاعات در تدوین انگاره طرح در برنامه ریزی ۱۸ درصد می‌باشد که طبق آزمون انجام شده برای مقایسه با متوسط ۵۰ درصد، نتیجه گرفته می‌شود که مقدار آزمون برابر $۲۸/۴-$ با سطح معنی داری $P= ۰/۰۰۱$ بدست آمده است. یعنی استفاده از پارادایم اطلاعات در تدوین انگاره طرح‌ها بسیار ضعیف و پایین بوده است.

جدول شماره ۲: خروجی آزمون (t) میزان استفاده از پارادایم اطلاعات در تدوین انگاره طرح‌های توسعه و عمران شهر و منطقه کلان شهر تبریز

۲۸	تعداد متغیرها (N)		
۱۸/۱۵	میانگین (Mean)		
۱/۱۱۸	خطای استاندارد میانگین (Std Error Mean)		
۱۶/۶۷	میانه (Median)		
۵/۹۲	انحراف استاندارد (Std Deviatio)		
۳۵/۰۰	واریانس (Variance)		
۰/۳۱۲	چولگی (Skewness)		
۰/۴۴۱	خطای استاندارد چولگی (Std Error of Skewness)		
۸/۳۳	حداقل (Minimum)		
۲۹/۱۷	حداکثر (Maximum)		
Test Value=50			
t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference
-۲۸/۴۸۴	۲۷	۰/۰۰۰	-۳۱/۸۴۵۲

همچنین بر اساس اطلاعات جدول شماره سه طبق نظر کارشناسان، متوسط استفاده از پارادایم اطلاعات در تدوین اسناد طرح ۱۸/۱۵ بدست آمده است، که طبق معیار $t = ۲۳/۷$ و با سطح معنی داری $p = ۰/۰۰۱$ در مقایسه با متوسط ۵۰ درصد معنی دار است. یعنی از پارادایم اطلاعات در تدوین اسناد طرح استفاده نشده است.

جدول شماره سه خروجی آزمون (t) میزان استفاده از پارادایم اطلاعات در تدوین اسناد طرح‌های توسعه و عمران شهر و منطقه کلان شهر تبریز

۲۸	تعداد متغیرها (N)		
۱۸/۱۵	میانگین (Mean)		
۱/۳۴۲	خطای استاندارد میانگین (Std Error Mean)		
۱۶/۶۷	میانه (Median)		
۷/۱۰	انحراف استاندارد (Std Deviatio)		
۵۰/۴۳	واریانس (Variance)		
۰/۲۶۳	چولگی (Skewness)		
۰/۴۴۱	خطای استاندارد چولگی (Std Error of Skewness)		
۸/۳۳	حداقل (Minimum)		
۲۹/۱۷	حداکثر (Maximum)		
Test Value=50			
t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference
-۲۳/۷۲۹	۲۷	۰/۰۰۰	-۳۱/۸۴۵۲

همچنین در آزمون این فرضیه نمره‌های استفاده از پارادایم اطلاعات در تدوین انگاره و اسناد طرح‌ها شهری و منطقه‌ای کلان شهر تبریز مورد مقایسه قرار گرفته و نتایج حاصل از مقایسه نمره‌های استفاده از پارادایم اطلاعات در تدوین انگاره و اسناد طرح‌ها شهری و منطقه‌ای کلان شهر تبریز نشان می‌دهد در تمامی طرح‌های توسعه عمران شهری و منطقه‌ای کلان شهر تبریز توجه به پارادایم اطلاعات در تدوین انگاره‌ها کم و در اسناد طرح نشده است.

۷- نتیجه‌گیری

نیمه دوم قرن بیستم شاهد تحولاتی بود که کلیه ساختارهای ملی و جهانی من جمله ساختارهای اقتصادی را دچار تغییر و تحول اساسی نمود. اهم این تغییر و تحولات را در چهار

حوزه؛ تغییر در روابط ملل (جهانی شدن)، تغییر تکنولوژی (تغییر ماهیت تولید)، تغییر ماهیت زمان (حاکمیت زمان بی زمان) و تغییر اهمیت مکان (بی مکان شدن مکان) بوده‌اند. نتایج تغییر در حوزه‌های چهارگانه را می‌توان در کلیه در ساختارها از جمله اقتصادی، و از آن طریق در حوزه برنامه ریزی به طور اعم و برنامه ریزی فضایی به طور اخص ملاحظه نمود. در این مقاله اثرات تغییرات مذکور بر روی اصول پایه‌ای سازماندهی فضایی و پیامدهای سازمان یابی بر اساس الزامات جامعه اطلاعاتی بر روی کلان شهرها به طور اعم و کلان شهر تبریز به طور اخص مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و نتایج زیر حاصل گردید:

۱- ویژگی‌های اصول پایه‌ای سازماندهی فضایی شهری و منطقه‌ای کلان شهرها بر اساس الزامات جامعه اطلاعاتی (عصر سوم) نسب به ویژگی‌های عصر صنعت (عصر دوم) دارای تفاوت‌های بنیادی هستند.

۲- در صورت سازمان یابی فضایی کلان شهر تبریز بر اساس الزامات جامعه اطلاعاتی (عصر سوم) در حوزه مختلفی تغییرات اساسی حاصل خواهد شد.

۳- میزان استفاده از پارادایم اطلاعات در تدوین انگاره‌های طرح‌های توسعه و عمران شهری و منطقه‌ای کلان‌شهر تبریز که از سال ۱۳۶۸ به امروز تهیه شده‌اند، کم و در تهیه اسناد آنها صفر ارزیابی شده است.

بررسی انگاره‌های طرح‌ریزی و اسناد خروجی طرح‌های مذکور که در قسمت ۴-۴ مقاله به آنها پرداخته شده است، مویده نتیجه حاصله از آزمون فرضیه پژوهش می‌باشد.

۸- پیشنهادها

با توجه به نتایج حاصل از این مقاله، به منظور کاربست و اشاعه یافته‌های آن موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- با توجه به اینکه موتور محرکه توسعه منطقه‌ای، رشد اقتصادهای ملی و ارتقاء دهنده جایگاه بین‌المللی یک کشور هستند می‌بایست با باز تعریف نقش آنها در قالب برنامه ریزی‌های آمایشی شرایط تحقق چنین نقشی را در آنها فراهم ساخت.

۲- سازمان مسکن و شهرسازی به عنوان متولی امر جهت جلوگیری از ایجاد تعارض بین نقش بایسته کلان شهر تبریز و سازمان فضایی آن به تهیه طرح‌های جدید با رویکرد مثبت به تحولات مذکور اقدام نماید.

۳- به منظور نقش پذیر شدن کلان شهرها بر اساس الزامات عصر جدید (تحولات علمی، تکنولوژیکی و فرایند جهانی شدن) ازجمله کلان شهر تبریز، می‌بایست ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز در حد استانداردهای بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. بدین منظور تدوین استانداردهای بین‌المللی برای ارزیابی میزان دسترسی کشور به زیرساخت‌های جامعه اطلاعاتی ضروری به نظر می‌رسد.

۴- پیشنهاد می‌شود برای تکمیل نتایج این مقاله جهت استفاده بیش از پیش از یافته‌ها در برنامه ریزی‌های توسعه و عمران، پژوهشی باهدف سنجش میزان اطلاعاتی شدن اقتصاد کلان شهرها به عمل آید.

منابع

۱. آتالوتی، جو (۱۳۸۶)؛ «تأثیر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای»، ترجمه جهانگیر حیدری.
۲. بورژل، گی (۱۳۷۷)؛ «شهر امروز»، ترجمه سید محمد سید میرزایی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳. تارو، لستر (۱۳۸۴)؛ «آینده سرمایه داری: تغییر و تحول ساختاری در نظام سرمایه داری جهان»، چاپ دوم، ترجمه عزیز کیوند، نشر دیدار.
۴. تاری شورت، جان ویونگ هیون کیم (۱۳۸۶)؛ «جهانی شدن و شهر»، چاپ دوم ترجمه احمد پور احمد و شایان (قهرمان) رستمی، ناشر پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۵. تافلر، آلوین (۱۳۸۴)؛ «سوج سوم»، چاپ هفدهم، ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران: نشر علم.
۶. رنه شورت، جان (۱۳۸۱)؛ «نظم شهری: درآمدی بر شهرها، فرهنگ و قدرت»، ترجمه اسماعیل چاوشی، ناشر دانشگاه تربیت معلم.
۷. زیاری، کرامت الله (۱۳۸۸)؛ «مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه ریزی منطقه‌ای»، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی (۱۳۸۴)، «طرح پایه آمایش سرزمین استان آذربایجان شرقی»، جلد‌های اول، پنجم، ششم.
۹. شکویی، حسین (۱۳۸۵)؛ «دیدگاه‌های نو در جغرافیایی شهری»، جلد اول، تهران انتشارات سمت.
۱۰. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵)؛ «عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ظهور جامعه شبکه‌ای»، جلد‌های ۱ و ۳، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، (چاپ پنجم)، تهران: انتشارات طرح نو.

۱۱. کی، هیومک (۱۳۸۶)؛ «تحقیق در جامعه اطلاعاتی»، ترجمه رامین کریمیان، تهران: دفتر مطالعه و توسعه.
۱۲. محمدیاری، بهمن (۱۳۸۵)؛ «بررسی نحوه توسعه تکنولوژی اطلاعات در استان آذربایجان شرقی»، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی، چاپ پیمان.
۱۳. مرکز مطالعات و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۷۹)؛ «طرح کالبدی منطقه آذربایجان» (جلدهای سه‌گانه برآیند مطالعات).
۱۴. معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۴)؛ «فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی رسانه»، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۴)؛ «جامعه اطلاعاتی (اندیشه‌های بنیادی، دیدگاه‌های اقتصادی و چشم‌اندازهای جهانی)»، مرکز پژوهش‌های ارتباطات، مطالعات راهبردی، نشر پدیده کوئینبرگ.
۱۶. مهندسان مشاور زیستا (۱۳۸۴)؛ «طرح توسعه و عمران ناحیه‌ای تبریز»، سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان شرقی.
۱۷. مهندسان مشاور زیستا (۱۳۸۸)؛ «طرح تفصیلی شهر تبریز» - شهرداری تبریز.
۱۸. مهندسان مشاور زیستا (۱۳۸۸)؛ «طرح مجموعه شهری تبریز»، سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان شرقی.
۱۹. مهندسان مشاور عرصه (۱۳۷۴)، «طرح جامع شهر تبریز»، سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان شرقی.
۲۰. هاروی، دیوید (۱۳۸۷)؛ «شهری شدن سرمایه»، ترجمه عارف اقوامی مقدم، نشر اخوان.
۲۱. هال، پیتر (۱۳۸۱)؛ «برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای»، ترجمه جلال تبریزی، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- 23-Bell, Daniel (2001); "*Key Sociologists*", Taylor and Francis e-brary, London and New York.

- 24- Clark, David (1996); "**Urban World, Global City**", Routledge, London.
- 25- Marcuse, Peter and Ronald Van Kempen (2000); "**Globalization City; A New Spatial Order?**" Black Well, Oxford.
- 26- Mills, C. Wright (2002), "White Collar; The American Middle Classes" (Fifteenth edition), by Oxford University Press, 63-76.
- 27- Webster, Frank (2006); "**Theories of the Information Society**" (third edition), Taylor and Francis e-Library, London and New York.